

نظریه شرمساری در عدالت ترمیمی از نگاه قرآن*

فاطمه زند اقطاعی** و محمد قربانزاده*** و محمدباقر گرایلی****

چکیده

عدالت ترمیمی، مشتمل بر نظریات مختلفی در جهت مسئولیت‌پذیر نمودن و اصلاح بزه‌کار است، یکی از نظریات در این حوزه شرمساری است. در این نظریه جرم زمانی کنترل می‌شود که اعضای جامعه از طریق مشارکت در تقبیح بزه‌کار و ایجاد شرمساری در وی، تلاشی منسجم را برای بازپذیر کردن بزه‌کار به یک شهروند مطیع قانون در جامعه به کار گیرند. این موجب بازدارندگی عمومی نسبت به کسی است که دارای چنین احساسی است. این نظریه که در کشورهای متعددی در حال اجراست، از نظر بن‌مایه‌های معرفتی و اجرایی دچار کاستی‌هایی است. از این رو در جهت اصلاح مجرم و به تبع آن کاهش جرم با تأکید بر آموزه‌های قرآنی در این زمینه ایده بازگشت و اصلاح استنباط شده است. این ایده در واقع همان اجرای فرآیند توبه از سوی گناه‌کار هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی است؛ زیرا اجرای توبه واقعی نه تنها موجب محو آثار گناه می‌شود، بلکه امید فرد را در تقویت بندگی افزایش داده و عنصری پویا در جبران و به دست آوردن رضایت الهی است و نیز اسباب مصونیت جامعه از گناه را فراهم می‌آورد. ضمن این‌که مراجعه به اهداف مجازات‌ها در اسلام نشان می‌دهد که هدف از کیفر، انتقام جویی نیست بلکه سوق دادن افراد به مراعات حدود و حریم الهی است؛ از این رو، این نهاد نیازمند شرایط درونی، بیرونی و تکمیلی است که در این پژوهش پس از مراجعه به منابع تفسیری و فقهی با روش توصیفی و تحلیلی به آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: شرمساری بازپذیرنده، توبه، بازگشت و اصلاح، عدالت ترمیمی، تئوری‌های علوم انسانی

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۹ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۶/۲۶.

** دانشجوی دکتری جامعه‌المصطفی (نویسنده مسئول): zand1382f@gmail.com

*** استادیار جامعه‌المصطفی مشهد: qorbantzadeh@chmail.ir

**** استایار جامعه‌المصطفی مشهد: gerayeli1378@yahoo.com

مقدمه

امروزه نظریات و تئوری‌های علمی رشد قابل توجهی داشته و هر نظریه مخصوصاً در حوزه علوم انسانی برگرفته از مکتب و طرز فکری است که صاحبان نظریه بیان می‌کنند، برای همین تعارض آراء فراوانی به چشم می‌خورد. نکته دیگر این است که برخی نظریات علوم انسانی را مانند نظریات علوم تجربی می‌دانند که قابل تجربه و اندازه‌گیری کنترل شده است، برخی نیز این نظریات را از اعتباریاتی می‌دانند که در حوزه روابط مردم با یکدیگر و یا با حکومت و... ایجاد می‌شود.

برای این که یک نظریه علمی معتبر باشد باید از دو جهت نظری و عملی دارای اعتبار باشد. مقصود از اعتبار نظری، صدق و مطابقت با واقع (صحیح و صادق یا کذب و غلط) باشد و منظور از اعتبار عملی این است که در مقام عمل مشکلی را حل نماید. (ر.ک: نبویان، اعتبار تئوری‌های علمی، ۱۳۸۲) به عبارت دیگر گزاره‌هایی که مطابقت آن‌ها با واقعیت احراز شده چه به صورت گزاره شخصی و حاکی از یک رویداد و چه در قالب گزاره‌ای کلی و بیان‌کننده قوانین یا ضوابط عام و فراگیر و چه در شمایل رشته‌های علمی و چه به شکل قضایای منفرد می‌تواند مصادیقی از علم باشند (مصباح یزدی، رابطه علم و دین، ۱۳۹۳: ۵۰).

برای اثبات صدق و کذب تئوری‌های علمی می‌توان یا بر مشاهده و آزمایش تکیه کرد؛ یعنی یافته‌های تجربی آن را اثبات کرد که از طریق (استقراء گزایی، ابطال‌گرایی و...) صورت می‌پذیرد، خواه تئوری مدنظر از علوم تجربی باشد یا علوم انسانی را نیز در برگیرد و یا می‌توان غیر از تجربه را نیز برای اثبات صدق و کذب گزاره‌ها بهره گرفت، مانند عقل و وحی. صورت اول بیشتر در حوزه علوم تجربی و حسی جایی دارد. اگرچه پوزیتیویست‌ها هر آن‌چه را قابل آزمایش از طریق تجربه نباشد تئوری یا نظریه نمی‌نامند. صورت دوم در علوم ریاضی و اکثر حوزه‌های علوم انسانی کاربرد دارد؛ اما آن‌چه که در این پژوهش بدان پرداخته می‌شود بررسی یک نظریه و ارائه یک تئوری جدید است. ضرورت آن بدین شرح است که یکی از مشکلات امروز جوامع بشری جرایم و تبه‌کاری است که به صورت کمی افزایش و به صورت کیفی توسعه یافته است و تلاش کشورها و حکومت‌ها در راستای مقابله با این تبه‌کاری‌ها قابل ملاحظه است. معمولاً حکومت‌ها که خود بار اجرای قانون را به دوش دارند، به سخت‌گیری

شدت قوانین افزوده‌اند؛ تجربه‌سالیانی ثابت کرده با چنین شیوه‌ای نه تنها جرم کاهش نیافته که افزایش نیز داشته است؛ لذا شیوه دیگری غیر از مجازات در پیش گرفتند که عنوان عدالت ترمیمی است که در آن نگاهی متفاوت به بزه‌کار و بزه‌دیده و جامعه می‌شود و سعی در بهبود و التیام بخشیدن به بزه‌دیده و اصلاح بزه‌کار بر آمده است و کشورهای زیادی از این ایده استقبال نموده‌اند و به آن پیوسته‌اند و در جهت اجرای کیفی برنامه‌های عدالت ترمیمی نظریات زیادی ارائه شده است. یکی از این نظریات، شرمساری بازپذیرکننده است که در این پژوهش به تبیین آن پرداخته می‌شود. از طرف دیگر کاستی‌های موجود در این نظریه که البته برای جوامع اسلامی قابل چشم پوشی نیست؛ بررسی می‌شود. از آن جا که پشیمانی در انسان از اوصاف فطری اوست و از طرفی غنی بودن جامعه اسلامی از مبانی و حیاتی این ضرورت را تقویت می‌کند که این مسئله از مبانی دینی اخذ شود؛ از این رو به بررسی آیات با موضوع توبه پرداخته شده و شماری از آیات گزینش شده و حول آن‌ها بحث شده است و ایده بازگشت و اصلاح از آیات قرآن در این زمینه استنباط شده است. گرچه مسئله توبه در اقوال فقها و مفسران زیادی نقل شده (ارشاد الاذهان، قواعد فقهیه ماوراء فقه و التبیان فی تفسیر القرآن، تفسیر المیزان و...) اما فرض این پژوهش این است که توبه فقط امری درونی و فردی نیست، بلکه از یک جهت جنبه فردی و از جهت دیگر جنبه اجتماعی دارد و با رعایت شرایط و ضوابط عامل مهمی در بازگشت و اصلاح خطاکار است. در این نوشتار به تبیین ایده بازگشت و اصلاح پرداخته و کاربرد اجرای آن گفتار دیگری می‌طلبد. از این رو در بخش اول به بررسی نظریه شرمساری بازپذیرنده می‌پردازد و در فصل دوم، ایده بازگشت و اصلاح را مطرح نموده و معیارهای حاکم بر آن را بیان می‌کند.

بررسی نظریه شرمساری در عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی

۱۸۳

عدالت ترمیمی (Restorative Justice) رویکرد جدیدی با نگاهی متفاوت به بزه، کیفر، بزه‌دیده و بزه‌کار و جامعه است که به جای تکیه بر کیفر، بر ترمیم آسیب ناشی از بزه تأکید می‌کند و گستره این ترمیم نه تنها شامل بزه‌دیده بلکه بزه‌کار و جامعه را نیز شامل می‌شود.

دلیل ایجاد چنین نظریه‌ای، وجود چالش‌هایی است که از ناحیه عدالت کیفری (criminal Justice) ایجاد شده است؛ زیرا با وجود همه تحولات نظری و عملی در اجرای عدالت کیفری کلاسیک که موجب ظهور و اجرای الگوهای سرکوب‌گر سزادهنده و باز پرداخته شده است نه تنها مشکلات ناظر به اجرای عدالت حل نشده بلکه پرسش‌های عمیق و جدیدی را در این زمینه ایجاد کرده است (غلامی، عدالت ترمیمی، ۱۳۸۵: ۲۹۱). روند رو به افزایش کیفر حبس، افزایش بزه، تکرار جرم، طرد همیشگی بزه‌کار، آثار سوء ناشی از مداخله‌های صرف کیفری، اتکا به کیفر، وجود حس انتقام‌جویی و برچسب زنی مجرمانه و... از جمله این چالش‌هاست. با وجود این‌که نظریه عدالت ترمیمی حدود سه دهه است که وارد ادبیات حقوقی و سیاسی جهان شده است، کشورهای زیادی برای حل و فصل اختلافات به اجرای آن روی آورده‌اند. از طرف دیگر با توجه به این‌که شیوه‌های متنوعی در حل اختلافات ارائه می‌دهد، ارائه تعریفی واحد از آن مشکل به نظر می‌رسد اما از مهم‌ترین تعاریفی که برخی از نظریه پردازان این حوزه ارائه داده‌اند به شرح زیر است:

تونی مارشال می‌گوید: «عدالت ترمیمی شیوه حل کردن مسئله بزه با مشارکت طرفین اختلاف و عموماً جامعه محلی است در این راستا رابطه فعال با نهادهای قانونی وجود دارد» (ر.ک: شیری، عدالت ترمیمی، ۱۳۹۶: ۲۰). هم‌چنین هواردزهر می‌گوید: «عدالت ترمیمی فرآیندی است برای درگیر نمودن (تا آن جا که امکان‌پذیر است) کسانی که دارای سهمی در یک جرم خاص هستند تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان‌ها نیازها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور به اندازه‌گیری که امکان‌پذیر است اقدام کنند» (هواردزهر، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ۱۳۸۳: ۶۲). و نیز عدالت ترمیمی نوعی از عدالت است مبتنی بر جبران خسارت به این معنا که در اجرای آن باید تلاش شود آثار و خامت بار جرم و ضرر و زیان‌های ناشی از آن خواه به صورت کامل باشد یا سمبلیک ترمیم شود (غلامی، عدالت ترمیمی، ۱۳۸۵: ۷).

با توجه به این تعاریف از اهداف اصلی عدالت ترمیمی می‌توان اصلاح نظام کیفری و اصلاح اموری که متضمن مسئولیت‌پذیر نمودن و پاسخ‌گو بودن بزه‌کار جهت برداشت گام‌هایی برای جبران ضرر و زیان بزه‌دیده تا آن جا که امکان‌پذیر است و از اهداف فرعی آن،

کاهش احتمال وقوع جرم، اجرای عدالتی التیام بخش است. هم‌چنین بازپذیری بزه‌کار، مشارکت بزه‌دیده و بزه‌کار در اتخاذ تصمیم مناسب، کاهش سهم دولت در حل اختلافات و... است (ر.ک: هواردزهر، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ۱۳۸۳؛ فرجیها، دانشنامه عدالت ترمیمی، ۱۳۹۵: ۳ و شیری، عدالت ترمیمی، ۱۳۹۶: ۲۰) از این رو عدالت ترمیمی را مبتنی بر اصول زیر می‌دانند: الف) جرم، تعدی و تجاوز نسبت به مردم و روابط میان فردی است؛ ب) تعدی و تجاوز موجد تعهداتی است؛ ج) اصلی‌ترین تعهد، اصلاح امور است. اصلاح امور، درست کردن آن چه تخریب شده است می‌باشد (هواردزهر، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ۱۳۸۳: ۳۹).

در این نگرش جرم بیشتر به عنوان تضاد و تعارض بین افراد درک می‌شود تا تعارض میان بزه‌کار و دولت یعنی رویکردی است که به جای سرکوب و کیفردهی به دنبال گذشت، درمان، ترمیم و بازسازی است (روستا، چالش‌های مبنای ترمیم به مثابه راه سوم عدالت، ۱۳۹۵: ۴۱۵) و فرآیند ترمیم با توانمند نمودن بزه‌دیده با بزه‌کار و اجتماع برای ایفای نقش فعال در پاسخ به جرم، اعتماد عمومی به نظام عدالت و کاهش تکرار جرم را به دنبال خواهد داشت (همان، ۴۱۴).

از این‌رو عدالت ترمیمی مشتمل بر نظریات مختلف و متعددی از قبیل خنثی‌سازی، نظریه شرم‌مساری و... با برنامه‌های اجرایی مانند میانجی‌گری، نشست‌های گروهی خانوادگی، حلقه‌های تعیین مجازات، تعلیق‌های مراقبتی و جبرانی، ملاقات‌های رو در رو و... ارائه شده است و در برخی کشورها متناسب با نظام آن کشور اجرا می‌شود (رک: پاپلند و دیگران، عدالت ترمیمی در عمل، ۱۳۹۰: ۱۳۳؛ فروزش، جایگاه عدالت ترمیمی در فقه اسلامی، ۱۳۸۶: ۲۹ و شیری، عدالت ترمیمی، ۱۳۹۶: ۳۳۹-۳۶۲). یکی از این نظریات که به عنوان موضوعی مهم در عدالت ترمیمی مورد توجه قرار گرفته است و نقش فعالی در این حوزه داراست. نظریه شرم‌مساری (shame theory) است که از سوی جان برایت ویت (John Braithwaite) ارائه شده است، در ادامه ضمن تبیین این نظریه به اهداف، ابعاد و ادله این نظریه و میزان مقبولیت آن خواهیم پرداخت.

بررسی نظریه شرمساری

۱. تبیین نظریه

برایت ویت در کتاب جرم، شرمساری و بازپذیری آورده است: شرمساری [عدالت کیفری] موجب الصاق لکه ننگ و داغ مجرمانه می‌شود و افراد را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد. با این وجود آن گاه که شرمساری جرم مجرم را تقبیح و طرد نکند باز پذیرکننده می‌باشد برای از بین رفتن یا دگرگون شدن شرمساری فرصت‌هایی باید فراهم شود (هواردزهر، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ۱۳۸۳: ۳۶)؛ یعنی به نظر برایت ویت جرم زمانی کنترل می‌شود که اعضای جامعه از طریق مشارکت در تقبیح بزه‌کار و ایجاد شرمساری در وی می‌باشد. یک مساعی منسجم ضمن بازپذیر کردن بزه‌کار به یک شهروند مطیع قانون در جامعه نقش ایفا می‌کند. بنابراین وی شرمساری بازپذیرکننده را می‌پذیرد که در مقابل آن شرمساری انگ زنده بود که در عدالت کیفری رواج داشته است.

۲. ابعاد و ادله نظریه

نظریه شرمساری بازپذیرکننده به کنترل اجتماعی، ویژگی اخلاقی داده است و اساس کنترل اجتماعی را به دست مردمان عادی، خانواده و جامعه می‌سپارد. بر خلاف سایر دیدگاه‌ها که بیانی انفعالی از رفتار مجرمانه به دست دهد گویی که توسط متغیرهای زیستی و روان‌شناختی و ساختار اجتماعی بودن اختیار بزه‌کاران تعیین می‌شود و به دنبال سازوکارهای شرمساری و بازپذیری بزه‌کاران است (فرجیها، دانشنامه عدالت ترمیمی، ۱۳۹۵: ۲۹۷).

کانون شرمساری بازپذیرنده، درک ارتباط بزه و کنترل اجتماعی است که بر شرمساری رفتارهای بزه‌کارانه و بازپذیری بعدی بزه‌کار تأکید می‌کند و استدلال بر این است که جوامع دارای نرخ پایین در انواع بزه، مانند ژاپن بیشتر به این نوع کنترل اجتماعی تأکید داشته‌اند و تلاش می‌کنند از طریق بازسازی پیوندهای اجتماعی به اصلاح شخصی بزه‌کار پردازند. از طرفی این جوامع در صورتی نرخ جرم پایین‌تری خواهد داشت که شرم را به نحو موثری نسبت به رفتار بزه‌کارانه به کار گیرند نه این که بزه‌کار را نکوهش کرده و او را از بازپذیری به اجتماع باز دارند (همان).

حتی برخی اشاره می‌کنند این نظریه در فرهنگ آسیایی کاریست بیش تری دارد، چون فرهنگ‌های آسیایی به سان فرهنگ‌های غربی مبتنی بر فردگرایی و تقدم فرد بر جامعه نیست، بلکه اهداف و آرمان‌های جامعه و گروه بر خواسته‌ها و اهداف و نیازهای فردی تقدم و اولویت دارند... (حسنى و عليوردى، شرمساری بازپذیر کننده به مثابه راهبرد فرهنگی در کنترل جرم، ۱۳۹۳: ۹).

طرفداران عدالت ترمیمی می‌گویند: عدالت کیفری کلاسیک بازپذیری بزه‌کار را نادیده گرفته است. زندان‌ها نقش قابل توجهی در این زمینه ندارند و تمرکز آن‌ها به منزوی کردن بزه‌کار از جامعه است و به بزه‌کار فرصت داده نمی‌شود تا با ارزیابی رفتار خود احساس ندامت نماید. مسئولیت بازپذیر ساختن، صرفاً بر عهده دولت نیست بلکه جامعه نیز در این خصوص وظیفه دارد و در صورت بازپذیر شدن به شهروند مطیع قانون تبدیل می‌شود و نقش موثری در کنترل جرم دارد. نکته اصلی در این بازپذیری این است که می‌گویند باید بین فعل مجرمانه و هویت شخص بزه‌کار تمییز و تفاوت قائل شد. فعل او تقبیح و هویت او گرامی داشته شود (غلامی، عدالت ترمیمی، ۱۳۸۵: ۱۴) پس این نظریه مستلزم رعایت چهار امر است:

الف) طرد، تکذیب و عدم تأیید جرم ضمن حفظ روابط میان بزه‌کار و جامعه؛

ب) خاتمه آیین تصدیق و تأیید انحراف با عدم تأیید و تصدیق انحراف؛

ج) عدم تأیید و طرد رفتار نابهنجار بدون الصاق برچسب لکه ننگین مجرمیت و گناه‌کاری و بزه‌کاری؛

د) عدم ایجاد شرایطی که در آن انحراف به عنوان رفتار موقعیت غالب درآید، که تحقق آن منوط به شرمساری درونی از طریق درک وجدان بزه‌کار و شرمساری بیرونی از طریق عدم تأیید یک رفتار توسط جامعه و توبه به هنجارهای اجتماعی صورت می‌گیرد که مورد اخیر بسیار موثرتر است (همان، ۱۰۲). برای ویت معتقد است که این روش منجر به کنترل بیش‌تر و موثرتر جرم خواهد شد و بزه‌کار را و می‌دارد تا بار دیگر تلاش کند به عنوان شهروند مطیع قانون درآید (همان، ۱۰۴). بنابراین نظریه شرمساری بازپذیرکننده بر این است که: ترس از شرمساری در مقابل دوستان، خانواده و... دارای بازدارندگی بالاتری نسبت به ترس از مجازات‌های رسمی است. شرمساری موجب بازدارندگی عمومی نسبت به کسی است که

دارای چنین احساسی است. این مسئله در کسانی که با دیگران ارتباط اجتماعی قوی‌تری دارند بالاتر است. نیز روش برچسب زنی به بزه‌کار سبب گسستن روابط وی با جامعه و افزایش ارتکاب جرم است و تلاش برای بازپذیر کردن وی عامل کلیدی در کنترل جرایم حداقل خشونت آمیز است. شرمساری کنترل درونی افراد را افزایش می‌دهد. شهروندان جامعه به عنوان اعضای فعال جامعه در بازپذیر کردن بزه‌کار مشارکت دارند و طرد و بدگویی از رفتار مجرمانه از سوی آنان نقش مهمی در ایجاد نظام اخلاقی منجر به اطاعت دارد (جانسون، عدال ترمیمی، ۱۳۸۹: ۲۰۱). فردی که احساس شرمساری را تجربه می‌کند همواره از احتمال ارتکاب مجدد جرم دچار اضطراب موقت می‌شود. (ابراهیمی و دیگران، کارکردشناسی پلیس ترمیمی در شرمساری کودکان و نوجوانان بزه‌کار، ۱۳۹۶: ۶۵).

۳. اهداف نظریه

نظریه شرمساری، دو هدف عمده را دنبال می‌کند: بازسازی یافته‌های جرم‌شناسی در چارچوب سهمگین و سازنده و ارائه مبنایی کاربردی برای اصلاح اصولی کارکردهای عدالت کیفری (فرجیها، دانشنامه عدالت ترمیمی، ۱۳۹۵: ۲۹۷) در واقع از آن جا که نظریه شرمساری در نهاد عدالت ترمیمی وجود یافته است اهداف کلی عدالت ترمیمی را شامل می‌شود و مهم‌ترین آن، اصلاح امور فرد و جامعه، بهبود و التیام بخشیدن بزه‌دیده، اصلاح بزه‌کار، تقویت جامعه جهت جلوگیری از تکرار جرم و کاهش میزان جرم. از اهداف خاص این نظریه می‌توان به بازپذیر نمودن بزه‌کار، ایجاد زمینه مناسب برای بازگشت مجدد وی و مسئولیت پذیر نمودن وی در جبران خسارت و مشارکت اجتماعی خانواده، مدرسه، دوستان در این امر را در بر می‌گیرد (غلامی، عدالت ترمیمی، ۱۳۸۵: ۱۴؛ حسینوند، میانجی‌گری کیفری در پرتو آموزه‌های عدالت ترمیمی، ۱۳۹۴: ۴۲).

۴. معیار مقبولیت

معیار مقبولیت این نظریه را می‌توان در مشاهداتی دید که در جوامع مختلف بدون دخالت آزمایشگاهی صورت پذیرفته است. به اذعان طرفداران این نظریه جوامعی که دارای سطحی از فرهنگ اجتماعی بالاتری هستند و فردمحوری در آن کم‌تر است؛ این نظریه موثرتر است. در واقع نظریه جدیدی نیست بلکه در سال‌های متمادی در این جوامع رواج داشته است.

برایت ویت ضمن مقایسه بین ژاپن و غرب می‌گوید: جایی که غرب فرهنگ فردگرایی را پذیرفته، ژاپن فرهنگ اجتماع محور را به رسمیت شناخته است و آن را ارج نهاده است. در ژاپن شرم در پی نقض قانون به صورت عام توسط کلیت اجتماع نه صرفاً متخلفان فردی تحمل و تولید می‌شود. معلمان و مربیان و اعضای خانواده و دوستان مجرم همگی در پی کنش‌های انحرافی شخص احساس شرم می‌کنند. در ژاپن، ندامت، پشیمانی و عذرخواهی به عنوان شیوه‌هایی برای بخشش و بازپذیری صمیمانه بزه‌کار است.

هم‌چنین این نظریه مبنای بسیاری از اقدامات ترمیمی در استرالیا است که پلیس به جای شرم‌نده سازی از طریق الصاق انگ و ننگ (برچسب زنی)، از اقداماتی جهت بازگشت بزه‌کاری در جامعه استفاده می‌کند (ر.ک: علیوردی و حسنی، شرم‌مساری بازدیدکننده، ۱۳۹۳: ۹) و نیز در نیوزلند جلسات گروهی خانوادگی بین مائوری‌ها تشکیل شده است و سپس با رو به رو کردن بزه‌کار و بزه‌دیده سبب حل اختلافات و سازش بین آنان شده‌اند (ر.ک: شیری، عدالت ترمیمی، ۱۳۹۶: ۱۶۲).

علاوه بر آن آزمون‌های تجربی‌ای که در این زمینه صورت گرفته است حاکی از پذیرش این نظریه است. مثلاً رابطه میان تبعیت از معیارهای قانونی در خانه‌های پرستاری، با سطوح توییح (یعنی شرم‌سار سازی) پرداخته‌اند و حمایت محکمی از بازپذیری نظریه شرم‌مساری بازپذیر کننده به دست آورده‌اند. (<http://payandaneshjo.ir>) و نیز در آزمایش‌های دیگری ثابت شده بین شرم‌ساری انگ زننده و بدگویی با نرخ بالا برخی رفتارها ارتباط دارد. (ر.ک: علیوردی، و حسینی، شرم‌مساری بازپذیرکننده، ۱۳۹۴: ۷).

از این رو طرف‌داران آن اذعان می‌کنند که شرم‌مساری بازپذیر کننده عموماً به تخلف کمتر و عملکرد شرم‌ساری‌طردکننده به تخلف بیشتر منجر می‌شود. مضافاً این که به نظر می‌رسد نظریه شرم‌مساری بازپذیر کننده در ارتباط با تخلفاتی مانند جرایم یقه سفید یا بزه‌کاری و قلدری نوجوانان در مقایسه با تخلفات فرد مثل دزدی و... از توفیق و اثربخشی بیشتری برخوردار باشد (همان، ۸). بنابراین معیار مقبولیت این نظریه را در پذیرش عرف اجتماعی در برخی کشورها، مطالعه تاریخی حل اختلافات در این زمینه، وجود رابطه معنادار بین شرم‌مساری بازپذیرکننده بزه‌کار و آزمون‌های تجربی کنترل شده در این زمینه وجود دارد، جست‌وجو کرد.

۵. ابزارهای اجرای نظریه

از مهم‌ترین ابزارها می‌توان به مشاهده و مطالعه احوال جوامع در حل نزاع‌ها و اختلافات در گروه‌های کوچک قبیله‌ای محلی اشاره کرد که اصول شرمساری بهتر پاسخ‌گو است. هم‌چنین نشست‌های ترمیمی به عنوان گونه‌ای از فرآیند تشریفات و شرمساری بازپذیرکننده محسوب می‌شود که شامل مجموعه‌ای از برنامه‌هایی که عدالت ترمیمی برای گرد هم آوردن بزهدیدگان، بزهدکاران، اعضای خانواده آن‌ها و یک تسهیل‌کننده آموزش دیده در فضای کاملاً دوستانه یا هدف اعمال واکنشی مناسب نسبت به برگزاری آزمون‌های تجربی در این زمینه و با مخاطبین متعدد (گروه‌های مدرسه، همسالان و...).

۶. کاستی‌های نظریه

نظریه شرمساری بازپذیرکننده، علاوه بر این که رویکرد جدیدی به مبحث بزه و توبه به بزهدکار و بزهدیده دارد و هم‌چنین به جای این که همه مسئولیت‌ها در مقابله با جرم بر عهده دولت باشد، باعث پویا شدن افراد جامعه در مقابله با جرم شده است. اما دارای کاستی‌هایی است که به راحتی نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد:

۱. این نظریه گرچه تمام جرایم را در بر می‌گیرد، بزهدکار با هر بزهدی می‌تواند در آن شرکت کند و این اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد؛ زیرا گاهی یکی از جنبه‌های بزه یعنی آسیب وارده با ترمیم‌گرایی جبران می‌شود اما جنبه دیگر بزه یعنی عنصر خطا با ترمیم صرف جبران نمی‌شود و باید از کیفر برای پاسخ به آن استفاده کرد. چون در برخی جرایم ترمیم خسارتی است و جبران می‌تواند آسیب مادی را از بین ببرد اما نمی‌تواند خطا را از بین ببرد (شیری، عدالت ترمیمی، ۱۳۹۶: ۱۶۲) یا گاهی شدت جرم ارتكابی به حدی است که صرف شرمسار بودن، بدون شدت عمل قانونی کفایت نمی‌کند.

۲. این نظریه بازتاب اجتماعی ظاهری دارد؛ یعنی بزهدکار در حضور جمع خطایش را بپذیرد و ابراز شرمندگی کند و در پی جبران آن برآید؛ اما آیا حقیقتاً از این عمل خود شرمنده است که دیگر تکرار نکند یا خیر. این نظریه در صدد اثبات آن نیست.

۳. شرمسار بودن بزه‌کار در صورت نبودن خانواده و دوستان یا در یک شهر و کشور دیگری، دامنه بازپذیرکنندگی را تنگ و محدود می‌کند؛ زیرا دیگر خانواده یا دوستان و کسانی که در مقابل آن‌ها شرم‌منده شوند نیست.

۴. برخی تحقیقات هم‌نشان داده است که نتایج‌شان با نظریه شرمساری بازپذیرکننده هم‌سو نبوده است و گفته‌اند به نظر می‌رسد زنجیره علمی پیوند دهنده متغیرهای شرمسارسازی به بزه‌کاری با تخلف، غیر مستقیم و طولانی باشد و در برگیرنده متغیرهای دیگری از جمله انتظار شرم، ارزش‌های اخلاقی، وجدان اخلاقی، فرصت انجام رفتارهای اجتماعی و... باشد (علیوردی و حسینی، شرمساری بازپذیرکننده، ۱۳۹۴: ۲۷).

۵. از طرفی آن‌چه در نظریه شرمساری در نظر گرفته شده نزاع و اختلاف‌های بین افراد و سوی دیگر آن، مخالفت با قانون وضع شده است؛ اما زیر پا گذاشتن ارزش‌ها و آرمان‌ها و اعتقادات در نظر گرفته نشده است.

با توجه به نکات گفته شده اصل مسئله شرم در انسان پذیرفته است و از صفات انسانی است که شکی در آن نیست اما کیفیت شرمسار نمودن و جایگاه شرمساری در این نظریه نیاز به اصلاح و تکمیل شدن دارد.

ایده بازگشت و اصلاح

چنان‌چه در مقدمه این نوشتار اشاره شد نظریه در حوزه علوم انسانی با حوزه علوم تجربی متفاوت است که روشن‌ترین تبیین آن این است که نظریات علوم انسانی دارای بن‌مایه‌های معرفتی ویژه‌ای هستند که حوزه علوم تجربی از آن خالی است و صرفاً یک سری نظریات مبتنی بر تجربه آزمون و خطا نیست، بلکه پشتوانه عقلی و حتی معرفتی و حیانی دارد. نظریات در حوزه علوم انسانی اسلامی این‌گونه است از این رو نظریه را چنین تعریف نموده‌اند: «مجموعه‌ای از گزاره‌های حقیقیه اعم از گزاره‌های حقیقی و اعتباری درباره موضوعی پیرامون انسان و حیات انسانی با رویکردی حقیقت‌گرایانه، با لحاظ فطرت الهی انسانی به عنوان حقیقت انسان، حقایق اساسی حاضر در حیات انسان (خدا، وحی، معاد)، با تکیه بر منابع معرفت دینی، به هدف تحلیل، توصیف، تبیین یا انشاء. (ر.ک: حسنی، www.ensani.blog.ir) لذا در حوزه علوم انسانی فرقی نمی‌کند قضایای اعتباری باشند یا حقیقی.

برخی نیز بیان می‌کنند: نظریه اسلامی از سنخ اکتشاف و جستج است نه ابداع و نظریه‌سازی. پیش فرض این کشف این است که نظریه پرداز قواعد را از متون دینی پیدا کند، غبار تاریخ را از آن بزداید، تاثیرگذشت زمان را بر آن خنثی کند، خود را از تاثیر فرهنگ‌های بیگانه برهاند و... (صدر، اقتصادنا، ۱۳۶۰: ۲۶).

از این رو این نوشتار بر آن است تا مسئله توبه را که در آیات متعددی از قرآن کریم مطرح شده است و از جمله موضوعاتی است که خداوند برای اصلاح بشر قرار داده است را با عنوان افقی در راستای کاهش جرایم مورد مطالعه قرار داده و ایده بازگشت و اصلاح را که دارای مبنای قرآنی و بنیان صحیح در رسیدن به اهداف مذکور است را به عنوان نظریه‌ای مستنبط از قرآن کریم، تبیین نماید.

۱. بیان ایده بازگشت و اصلاح

بشر در راستای اصلاح و تکامل خود نیازمند فتح باب توبه است و از ملاک‌های تشریح آن، رهایی از هلاکت ناشی از گناه و آثار سوء آن است که امید خود را در بازگشت و تقویت بندگی خدا افزایش داده و اسباب مصونیت جامعه را از ارتکاب جرم فراهم می‌آورد. بازگشت و اصلاح مطرح شده هم در حوزه فردی، هم در حوزه اجتماعی جاری است. البته این بازگشت نیازمند شرایط درونی، شرایط بیرونی و تکمیلی است:

الف) شرایط درونی: از مهم‌ترین آن می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: پشیمانی از روی اختیار باشد، عمل مرتکب در شرع قبیح باشد، پشیمانی با یادآوری مسئله خداترسی و تجاوز از حریم الهی باشد، گناه کار بر عمل عهد و عزم خود ضمانت اجرا بگذارد که تکرار نکند، پشیمانی را به تأخیر نیندازد، بر پشیمانی از ارتکاب معصیت مداومت داشته باشد، بدانند بازگشت به لفظ نیست بلکه با عمل محقق می‌شود، به نوع گناه در کیفیت بازگشت بنگرد که هر چه خطای او بزرگ‌تر، بازگشت او مشکل‌تر است.

ب) شرایط بیرونی: مقصود این است که در کنار شرایط درونی، جنبه فعلی نیز باید باشد یعنی همراه با اقدام عملی و جبران در جهت اصلاح باشد، به گونه‌ای که اقدام وی سازنده و از روی اختیار باشد نه با اجبار قانون، اجرای دستورات الهی را سرلوحه کار خود قرار دهد....

ج) شرایط تکمیلی: علاوه بر رعایت شرایط مذکور، اگر خطای او در حوزه اجتماعی است؛ از باب ارتباط فرد با جامعه و تأثیر و تأثر آن دو از یکدیگر، نیازمند این است که مردم در برابر خطای گناه‌کار سکوت نکنند، بعد احراز پشیمانی، کرامت نفس افراد محفوظ باشد، حکومت و نهادهای مردمی زمینه ارتکاب جرم را از بین ببرند. و...

۲. تعریف و ابعاد ایده بازگشت و اصلاح

مسئله توبه، ندامت و بازگشت انسان عمری هم‌پای انسان دارد و از زمان خلقت آدم عليه السلام تاکنون بوده است و در واقع صفتی از اوصاف انسان است که در فطرت او نهادینه شده است. در ادامه ضمن بیان تعاریف و حدود مسئله به کیفیت تحصیل آن نیز پرداخت می‌شود.

لفظ توبه در لغت به معنای رجوع و بازگشت از گناه معنا شده است. اصل آن نیز به معنای بازگشت است (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۳: ۱/۳۵۷؛ مصطفوی، التحقيق، ۱۴۳۰: ۱/۴۰۰) در اصطلاح نیز توبه عبارت است از رجوع و بازگشت به سوی خدا... و معنای توبه عبد، رجوعش به سوی خدا با اطاعت و انقیاد بعد از عصیان و تجاوز و معنای توبه خدا به بنده یعنی رجوع خدوند به بنده‌اش با الهام توبه در اول و سپس قبول توبه در آخر است (فیض کاشانی، الوافی، ۱۴۰۶: ۲۱۹/۱۴) در تفسیر التبیان نیز آمده است: توبه پشیمانی بر امر قبیحی است همراه با تصمیم بر اینکه به آن قبیح برنگردد... توبه به این وجه است که عذاب را ساقط می‌کند (ر.ک: التبیان، طوسی، بی تا: ۳/۱۴۵).

برخی نیز حقیقت توبه را پشیمانی حاصل از علمی می‌دانند که مقدم شده بر توبه برای عبد و عملی که متأخر آن است و متعلق به آن چیزی است که تدارک می‌شود و تصمیم بر ترک گناه در حال و عدم بازگشت به گناه در آینده که موجب از بین رفتن اثر معیت از صفحه نفس و بازگشت وی به پاکی است، به گونه‌ای که اثری از آن بر نفس باقی نمی‌ماند (آملی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ۱۳۸۰: ۵/۳۲).

برخی دیگر در تعریف اصطلاحی توبه قائل به دو مرحله ثبوت و اثبات شدند، در مرحله ثبوت، همان پشیمانی و تصمیم بر ترک و بازگشت به گناه است و این، امری قلبی است اما رسیدن توبه به مرحله اثبات و ترتب آثار بر آن با ذکر دو جمله «استغفر الله ربی و اتوب الیه» است که از روایات استفاده می‌شود و نیز ادای حقوق قضاء فرایض که ضایع نموده و ذوب

نمودن گوشتی که از حرام رویده... و نیز در عرف زمانی شخصی به دیگری بد می‌نماید پیش او می‌آید و از او طلب عفو می‌کند و ندامتش را آشکار می‌نماید (بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۱۴۱۹: ۷/۳۴۲) بنابراین حقیقت توبه ظاهراً با پشیمانی صرف نیست، بلکه باید به درجه‌ای برسد که از اعمالی که انجام داده منزجر شود و تصمیم بر ترک آن معصیت گیرد و استغفار از مظاهر این تذلل است.

از این رو گاهی توبه از سوی خود فرد انجام می‌شود و گاهی از وی خواسته می‌شود توبه کند که در فقه به آن «استتابه» گفته می‌شود. در صورت اول که بُعد فردی توبه است بسیار قابل اهمیت است و از نگاه فقهی بر گناه‌کار واجب است در صورت انجام گناه توبه کند و برگردد. برخی فقها کیفیت حصول توبه از سوی فرد (بُعد فردی توبه) را چنین ذکر کرده‌اند: درک نسبت به گناه بعد از ارتکاب درک و شعور داشته باشد، احساس مسئولیت اخلاقی نسبت به گناه (درون او آشفته باشد)؛ درک و اعتراف به این که مستحق عقوبت است. درک این که این استحقاق از طریق توبه از بین می‌رود و امکان آن از طرف خدا هست؛ درک حالات نفسانی وجدانی که متضمن تأسف بر فعل سابقش است؛ در برابر خداوند اعتراف به گناه نماید؛ تصمیم بگیرد که دیگر به گناه برنمی‌گردد. این مرحله ضروری است و گرنه توبه را مسخره کرده است؛ به رحمت الهی و عفو او ایمان داشته باشد؛ طلب توجیه آن رحمت به سوی او (مرحله استغفار) (صدر، ماوراء الفقه، ۱۴۲۰: ۱۰/۶۰).

نوعی دیگر از توبه که اصطلاح آن استتابه است؛ یعنی طلب توبه به بعد اجتماعی توبه دارد. یعنی به خاطر گناهی که انجام داده توبه بر او عرضه می‌شود و از او می‌خواهند توبه کند. در فقه آمده است: هر کس که گناهی مرتکب می‌شود واجب است از آن به سوی خدا توبه کند، همان گونه که واجب است بر دیگران از گناه‌کار بخواهند توبه کند و او را امر به توبه نمایند (شاهرودی و دیگران، موسوعة الفقه الاسلامی، ۱۴۲۳: ۱۱/۳۴) بنابراین اصل مسئله توبه چه در بعد فرد و چه در بعد اجتماعی مفصلاً در منابع فقهی به آن پرداخته شده است.

۳. مستندات ایده بازگشت و اصلاح

مقصود از مستندات ادله‌ای است که در منابع اسلامی آمده است و مهم‌ترین آن، آیات قرآن، احادیث معصومین علیهم‌السلام حکم عقل و اجماع است؛ اما این پژوهش با تکیه بر مستندات

قرآنی است. با توجه به فراوانی آیات در زمینه توبه و موضوعات متناسب با ایده ارائه شده در دو حوزه فردی و اجتماعی بحث می‌شود. در حوزه فردی آیاتی گزینش شده است که علاوه بر توبه مسئله اصلاح نیز مطرح شده است مانند: آیاتی که توبه و اصلاح در ظاهر به صورت جمع مطرح شده است:

۱. ﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيْنُوا وَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (بقره/ ۱۶۰)؛
۲. ﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (آل عمران/ ۸۹)؛
۳. ﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (نساء/ ۱۴۶).

هم‌چنین آیاتی که توبه و اصلاح به صورت مفرد بیان شده است:

۱. ﴿فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (مائده/ ۳۹).
۲. ﴿وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (انعام/ ۵۴).

و آیاتی که در کنار توبه، عمل صالح را نیز مطرح نموده است:

۱. ﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يظْلَمُونَ شَيْئًا﴾ (مریم/ ۶۰).
۲. ﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (فرقان/ ۷۰).
۳. ﴿وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا﴾ (فرقان/ ۷۱).

در این آیات که سیاق برخی موضوع خاص و سیاق برخی عام و کلی است این را می‌رساند که مسئله توبه فقط یک امر منفعل درونی نیست، بلکه پویا و محرک موثر بر نیت و رفتار و فعل افراد است.

در حوزه اجتماعی نیز آیاتی به صورت خاص و عام وجود دارد که جامعه را در برابر منکرات و گناہانی که صورت می‌گیرد مسکوت نمی‌گذارد مانند:

۱. ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (مائده/ ۳۳-۳۴).

آیات با موضوع امر به معروف و نهی از منکر نیز افراد جامعه را با رعایت ضوابط به سمت اصلاح خطاکار سوق می دهد:

۱. ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران/ ۱۰۴)

۲. ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه/ ۷۱).

با توجه به ذکر بخشی از مستندات توبه از آیات قرآن در ادامه به گزاره‌های این آیات در نگاه مفسران پرداخته می شود تا اعتبار آن‌ها تبیین شود:

۴. تبیین گزاره‌ها در ایده بازگشت و اصلاح

با توجه به این که گزاره‌های بازگشت و اصلاح از آیات قرآن کریم اخذ شده است و پیش فرض پژوهش این است که قرآن کتاب جامع هدایت است و دارای هر آن چه که در سعادت و تکامل بشر است؛ می باشد؛ لذا هیچ شکی در کارساز بودن این آیات در زندگی انسان و هدایت وی نیست. خود آیات قرآن از حیث سند قطعی الصدور و بسیاری آیات از حیث دلالت ظنی الدلاله هستند از این رو برای فهم آیات ذکر شده در بحث قبل، به تفاسیر مراجعه شده و دیدگاه سه تفسیر التبیان، مجمع البیان و المیزان در تبیین گزاره‌های مطرح بیان می شود:

یک - توبه نمودن گناه کار

۱. خداوند در سوره بقره، آیه ۱۵۹ کیفر افرادی را بیان می کند که هر آن چه هدایت است و آیاتی که خدا نازل کرده را کتمان کردند. در آیه ۱۶۰ یک گروه را استثناء کرد و آن، افرادی هستند که توبه کردند و به اصلاح خود پرداختند و حقیقت را بیان نمودند (رک: طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۶۰: ۱۳۸/۲) و توبه آنان باید طوری باشد که همه مردم باید از آن باخبر باشند و لازمه اش این بود که آن چه را که پنهان کرده بودند آشکار کنند وگرنه توبه آن‌ها توبه نیست و هنوز توبه نکرده اند؛ چون تاکنون حق را پنهان می کردند و حالا کتمان خود را کتمان می کنند (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۱/۵۸۸).

۲. در آیه ۸۸ سوره آل عمران کیفر کافران بیان می‌شود و در آیه ۸۹ عده‌ای که توبه کنند و اصلاح شوند استثنا شدند. مراد این است که توبه صرف ادعا نباشد، بلکه توبه‌ای باشد که مافات و گذشته را جبران می‌کند نه این که مراد، اعمال صالح باشد؛ چون هر چند که در آمدن خود به خود اعمال را صالح می‌کند، لکن خود عمل صالح نمی‌تواند مقدم و مایه ثبات توبه باشد (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۳/۵۲۶).

۳. آیه ۱۴۵ سوره نساء، عذاب منافقان را بیان می‌کند و در آیه ۱۴۶ یک عده را استثنا نموده است که از نفاقشان توبه کنند، زمانی که نیت‌های خودشان را اصلاح کرده و دینشان را برای خدا خالص کنند (طوسی، التبیان، بی تا: ۳/۳۶۸). یعنی این افراد از جماعت منافقان جدا شده و به صف مؤمنین پیوندند و این را تذکر داده که دارندگان این صفت با مؤمنان هستند (فَاُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ) (ر.ک: طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۵/۱۹۳).

۴. در آیه ۳۸ سوره مائده جزای سارقان را بیان می‌کند و در آیه ۳۹ کسانی را که توبه نمایند و از فعل سرقت پشیمان شوند و کارهای صالح انجام دهند، خداوند کیفر معصیتی را که از آن توبه کرده اسقاط می‌کند و این که در این آیه، خداوند به بنده بر می‌گردد (خود را توبه پذیر خوانده) ترغیبی است برای عاصی بر انجام توبه. (طوسی، التبیان، بی تا: ۳۳/۵۱۹).

۵. در آیه ۵۴ سوره انعام آمده است رحمت خدا شامل حال آن کسانی می‌شود که از روی جهالت مرتکب عمل زشتی شوند و سپس توبه و نیکی می‌کنند که در معنای جهالت دو وجه است: یا کار زشت را با جهل به این که زشت و ناپسند است انجام می‌دهند یا کسی کار زشتی انجام می‌دهد و توجه به زشتی آن دارد و می‌داند که سرانجام آن، زیان بخش است. لکن نفع و فایده آنی و دنیوی را از روی جهات بر نفع و راحت فراوان و عافیت همیشگی مقدم می‌دارد (ر.ک: طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۶۰: ۳۸).

۶. آیه ۵۹ سوره مریم به جماعتی از یهودیان اشاره دارد که نماز را تباه کردند و در راه حرام، شهوات خود را دنبال کردند و در آیه ۶۰ کسانی را که پشیمان شوند و ایمان بیاورند و کارهای واجب و مستحب انجام دهند را استثنا نمود است (همان، ۱۸۳/۱۵).

۷. در آیه ۶۸ سوره فرقان آمده است هر کس مرتکب قتل، شرک، قتل و زنا شود دچار عذاب می‌شود و مخلّد در آتش است از بین آن‌ها گروهی توبه کنند و از معاصی پشیمان شوند و

اعمال صالح انجام دهند استثنا شده‌اند (طوسی، التبیان، بی تا: ۵۰۱/۷) بنابراین مستثنی سه چیز است یکی توبه که معنای آن، بازگشت از گناه است و کم‌ترین مرتبه‌اش، ندامت است و دیگری عمل صالح که اعتبار این نیز روشن است؛ و نیز ایمان به خدا. چون تا وقتی کسی از گناه توبه نکرده قهراً اگر نخواهد توبه بشکند عمل صالح انجام می‌دهد؛ یعنی عملش صالح می‌شود. آیه شریفه مربوط به کسانی است که هم مرتکب قتل شده، هم شرک ورزیده و زنا مرتکب شده باشد یا حداقل مشرک بوده باشند (رک: طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۱۵/۳۳۵).

۸. در آیه ۷۱ سوره توبه خداوند می‌خواهد بفهماند که امر توبه آن قدر عظیم و اثرش آن چنان زیاد است که سیئات را مبدل به حسنات می‌کند و هیچ استعبادی ندارد؛ چون توبه عبارت است از رجوع خاص به سوی خدای سبحان و... این توبه شامل همه گناهان می‌شود چه گناهان که توأم با شرک باشد یا نباشد (همان، ۲۳۷/۱۵).

۹. آیه ۸۲ سوره طه وعده رحمتی مؤکد از جانب خدا که به دنبال وعید سخت آمده است و فرموده من بسیار آمرزنده ام ﴿إِنِّي لَغَفَّارٌ﴾ معنای آیه چنین است که من به هر انسانی که توبه کند و ایمان آورد چه این که از شرک توبه کند و چه از معصیت و چه این که به آیات من از پیغمبرانم و احکامی که می‌آوردند و از آن چه قانون کرده پشیمان گشته و عمل صالح نماید و مخالفت و تمرد را در گناهانی که کرده مبدل به طاعت در آن نمایند (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۱۴/۱۲۶۱).

۱۰. آیه ۳۴ سوره مائده اشاره به توبه محارب قبل از دست‌گیری دارد که کنایه است از برداشته شدن حد از آنان است و از کیفر مصون هستند (طوسی، التبیان، بی تا: ۵۰۸/۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۶۰: ۲۰/۷؛ طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۵/۵۳۵) برخی از مفسران نیز بیان می‌کنند: مقصود از این توبه آن نیست که بین خدا و بنده محقق می‌شود که بر معصیت پشیمان شده و لفظ توبه را بر زبان جاری می‌کند، این توبه دانسته نمی‌شود مگر با اقرار توبه کننده... بلکه باید رسول یا امام نیز توبه او را قبول کند و برای او استغفار کند، و از او پیمان بگیرد (گنابادی، تفسیر بیان السعاده، ۱۴۰۸: ۷۴/۲).

دو- دعوت به توبه (استتابه)

از ادله‌ای که دلالت بر استتابه می‌کند، ادله امر به معروف و نهی از منکر است. این که خواسته شود افراد گناه‌کار رو به سوی خدا کنند و از اعمال ناروای خود دست بردارند و در واقع همان امر به معروف و نهی از منکر است که به برخی از آیات به آن اشاره می‌شود:

۱. در سوره آل عمران، آیه ۱۰۴ روی سخن با امت است که امر به معروف و نهی از منکر نمایند، مقصود از امت جماعت و اجتماع است و امت را مشخص ننموده است؛ زیرا امر به معروف واجب کفایی است و هر گروهی که اقامه کرده از دیگران ساقط است (طوسی، التبیان، بی تا: ۵۴۸/۲). خداوند رستگاری مسلمین را به این دو مربوط دانسته است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۶۰: ۱۹۲/۴).

۲. در آیه ۷۱ سوره توبه، سخن از زنان و مردان مؤمنی است که امر به معروف و نهی از منکر نمایند و معروف آن چیزهایی است که خداوند نقل آن را واجب کرده یا از نظر عقلی و شرعی مردم را بدان وا داشته است و مردان و زنان مؤمن با همه کثرت و پراکندگی شان همه در حکم یک تن واحدند (همان، ۱۱/۱۵۲). و به همین جهت بعضی از ایشان امور بعضی دیگر را عهده‌دار می‌شوند و به همین دلیل هر یک دیگری را امر به معروف می‌نماید. به خاطر ولایت داشتن ایشان در امور یک‌دیگر است. آن هم ولایتی که تا کوچک‌ترین افراد جامعه راه دارد که به خود اجازه دهند هر یک دیگری را به معروف و نهی از منکر باز دارند (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۸/۴۵۵).

آنچه از این گزاره‌ها به دست می‌آید این که توبه از شرک و کفر و نفاق، توبه سارق و محارب و قاتل، توبه از کتمان آیات خدا، توبه از جهالت‌ها و تبکاری‌ها و... که گاه با بیان مصداق و گاه به طور کلی در قرآن بیان شده تأکید بر بازگشت از همه زشتی‌ها و پلیدی‌هاست. برخی مفسران نیز بیان می‌کنند که حقیقت توبه بدون علم و حال و فعل حاصل نمی‌شود (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۹: ۳/۴۴۴) از این رو همراهی قید توبه با اصلاح و عمل صالح برای این است که دلالت کند توبه وقتی قبول می‌شود که از روی حقیقت و واقع باشد؛ زیرا کسی که حقیقتاً به سوی خدای سبحان بازگشته و به وی پناه برد هرگز خود را به پلیدی گناهی که از آن توبه کرده و خود را از آن پاک ساخته آلوده نمی‌کند.

۵. سازگاری با ضوابط اسلامی حاکم در قلمرو

در اسلام هدف از مجازات، اصلاح فرد یا جامعه یا هر دو است که حریم و حدود الهی حفظ شود. مهم‌ترین مولفه‌های آن اجرای عدالت، از بین رفتن فساد، کنترل آزادی‌ها، حفظ امنیت و جبران تدارک است. علاوه بر آن رویکرد تربیت و اصلاح مجرم مدنظر است که مهم‌ترین مولفه‌های آن، تأدیب و تزکیه، عبرت‌گیری و ترس، مسئولیت‌پذیری، کنترل نفس است. گرچه نویسندگان در این زمینه به نکات دیگر اشاره کردند مانند کمال آفرینی، سزادهی، توان‌گیری، پاسداری از ارزش‌های اسلامی و... (پورلیالیستانی، اهداف مجازات در رویکرد حقوق جزا، ۱۳۸۵: ۴۵) در واقع هدف، کیفر و انتقام‌جویی نیست، بلکه سوق دادن افراد و جامعه به اصلاح و مراعات حدود الهی است.

از طرفی قواعد و مقررات ناشی از مبنای حقوق باید سازنده انسان، تامین‌کننده سعادت وی باشد، هم‌چنین باید از چنان جذبه‌ای برخوردار باشد که نه تنها قانون‌شکن را وادار به پذیرش قانون کند بلکه از او انسان صالحی بسازد و بتواند در سایر شئون زندگی انسان تاثیر بگذارد. لذا از نظر قرآن کریم اراده حکیمانه شارع مبنای قواعد و ضوابط حقوق است (ر.ک. داودی، حقوق کیفری در قرآن، ۱۳۹۶: ۳۴).

از این‌رو تا آن‌جا که ظرفیت افراد جامعه برای اصلاح اقتضا می‌کند در صورت بازگشت و اصلاح از گناهی که انجام داده‌اند خداوند در توبه به روی همه گشوده است که البته در جرایم حق الله و حق الناس متفاوت است و ضوابط خاص خود را دارند؛ اما به طور کلی نهاد توبه در اسلام چنان از ظرفیت بالایی برخوردار است که در آیات قرآن بارها نوشته شده که به سوی خدا توبه کنند و حتی خداوند با توبه عبد به سوی او باز می‌گردد هم توفیق توبه را به وی می‌دهد و هم با رحمت و اسعه خود توبه او را می‌پذیرد.

البته گناهیانی در حوزه اجتماع رخ می‌دهد و وظیفه جامعه امر به معروف و نهی از منکر است تا باز هم به سوی توبه روی آورند و این، خطای او در اجتماع مسکوت‌نماند، مانند شارب الخمر و مرتدی که از او می‌خواسته می‌شود تا توبه کند. بنابراین ضابطه اسلامی در مسئله توبه، تزکیه و اصلاح افراد از آثار شوم گناهان است و نیز حفظ ثبات و امنیت اجتماعی است، زیرا مسلمان برادر یک‌دیگرند ﴿أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَاصْلَحُوا بَيْنَ أَوْيَكُم﴾ (حجرات/ ۱۰) لذا

حق برادری ایجاب می‌کند در رشد و اصلاح یک‌دیگر را یاری دهند. بر خلاف نظام‌های غیر اسلامی که چند دهه است سعی دارند با وادار کردن بزه‌کار، در نشست‌های ترمیمی شرایط شرمندگی وی را فراهم آورند و از طرفی دست دولت را در اعمال کیفر کوتاه نماید تا جامعه نیز خود را در اصلاح بزه‌کار شریک بدانند.

۶. سازگاری با مقاصد و غایت بشریت

هدف از خلقت انسان عبودیت است و نهایت اوج تکامل یک انسان و قرب او به خدا است و عبودیت کامل آن است که انسان جز به معبود واقعی یعنی کمال مطلق نیندیشد، جز در راه او گام بر ندارد، و هر چه غیر او است فراموش کند... هدف نهایی آفرینش بشر که خدا برای وصول به آن میدان آزمایشی فراهم ساخته و علم و آگاهی به انسان داده این است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۲/۳۸۸) از طرف دیگر این هدف منحصر در دنیا نیست چون سعادت ابدی در آخرت به دست می‌آید و ماندنی تر است (ر.ک: مترجمان، تفسیر هدایت، ۱۳۷۷: ۱/۶۷۴ و طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۱۴/۲۹۸).

مسئله توبه اگر به شکل صحیح آن رخ دهد خود به خود در نیات و کردار و رفتار فرد اثر می‌گذارد؛ چون توبه واقعی سبب اصلاح رابطه عبد با خدا شده و خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است. بازگشت از گناه و عزم بر ترک آن در این مسیر نه تنها مانع از ارتکاب گناه بلکه سبب اصلاح اعمال وی می‌شود. بنابراین اگر غایت و مقصد بشریت را حرکت وی به سمت کمال بدانیم و این کمال در قرب الهی حاصل می‌شود توبه دری است که سبب بازگشت به این مسیر است.

۷. اجرایی شدن ایده بازگشت و اصلاح

در سطح خُرد برای گناه‌کار: نظریه شرمساری بازپذیر کننده سبب نشست‌های خانوادگی، دوستانه، اطرافیان در حلقه‌ها با حضور بزرگ خانواده یا پلیس ترمیمی یا فرد امین ایجاد می‌شود و در واقع خطا بر تجاوز از قانون یا بر هم زدن نظم عمومی بود نه چیز دیگر؛ اما در ایده بازگشت و اصلاح از یک سو با ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی مواجه است که باید رابطه خود را با خدا اصلاح نماید و ظرفیت اعتقادی فردی را باور نموده و به این باور برسد که حریم

الهی را تجاوز کرده است و حق الله رعایت ننموده است از سوی دیگر حق الناسی که به گردن او آمده است را باید تدارک کند؛ لذا در این مسئله با دو رابطه مواجهیم. رابطه اصلی که همان رابطه فرد با خداست که اگر عمق داشته باشد آثار بسیار مثبت هم در زندگی و هم در رفتار وی خواهد داشت و همین درصد تکرار گناه و انجام جرم را به حداقل می‌رساند و رابطه‌ای که گناه‌کار با جامعه دارد و در مثلث مردم، گناه‌کار و حکومت قرار گرفته است. از آن جا که اعضای جامعه از هم جدا نیستند گناه‌کار علاوه بر این که توبه می‌کند رابطه خود را با حکومت طبق قانون تطبیق می‌دهد و در مواجهه با مردم نیز درصدد ادای حق الناس برمی‌آید.

بازگشت و اصلاح چون در خود، مبانی اعتقادی مانند توحید دارد برای همه و در همه زمان قابل اجراست؛ ولی آنچه اجرای آن را مشکل می‌کند: دوری از خدا، فرو رفتن در شهوت‌ها و خواسته‌های دل، پس زدن وجدان (نفس لوامه)، توبه ظاهری بدون پشیمانی عمیق، مخالفت با قوانین اسلامی و... است.

در سطح کلان برای جامعه: در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) نهاد توبه در مواد ۱۱۴ و ۱۱۵... افزوده شده است. از آن جا که این قانون میزان و کیفیت و مجازات‌های جرایم را بیان می‌کند و وظیفه دستگاه‌های اجرایی است که آن را اجرا کنند. از این رو مسئله توبه برای اجرا باید احراز شود و احراز آن با مشکلاتی مواجه است. از طرف دیگر این مسئله یک طرفه با حکومت نیست بلکه نهادی سه طرفه می‌شود که شامل خود شخص، مردم و حکومت است لذا لازم است در جریان اجرای قانون چنان تدابیری بیندیشد که اولاً: دست‌خوش سوء استفاده نشود و ثانیاً: این نهاد بتواند ظرفیت اجرایی خود را نشان دهد چون توبه همان گونه که فقها اشاره نموده‌اند یک جنبه فقهی دارد و یک جنبه اخلاقی. از این رو تقویت نهادهای مردمی، در نظر داشتن شرایط فرهنگی هر اجتماع ضرورت دارد.

نتیجه

طرح نظریه شرمساری بازپذیرنده در عین این که مزایایی در کاهش جرم است اما یک سری اشکالات مبنایی و اجرایی دارد که در هر جامعه‌ای ممکن است قابل اجرا نباشد. از طرف دیگر جامعه‌ای که دارای فرهنگ غنی قرآن و سنت است، می‌تواند با بهره‌گیری از این منابع راه حل کاهش جرم از این منابع اخذ کند. در این پژوهش با تکیه بر آیات قرآن دو دسته آیات مورد بحث قرار گرفت. آیاتی که دارای موضوع توبه بود و آیاتی که رویکرد اجتماعی امر به نیکی و نهی از بدی است و چنین به دست می‌آید که نگاه قرآن به مسئله کاهش جرم فقط صرف قانون‌گذاری نیست؛ چون اولاً؛ هدف قرآن هدایت نیز است و ثانیاً؛ اهداف مجازات‌های اسلام اصلاح و برگرداندن وی در مسیر هدایت است. ثالثاً؛ مباحث اخلاقی قرآن جدای از مباحث حقوقی آن نیست و مباحث اعتقادی نیز جدای از مباحث اخلاقی و حقوقی نیست و در هم تنیده‌اند. رابعاً؛ ارتباط فرد با جامعه مجزا و یک سویه نیست بلکه تعاملی است طرفینی. برخی گناهان مستقیماً بر گناهان اثر گذاشته و برخی غیر مستقیم تأثیر دارد؛ برای همین اگر گناه‌کاری توبه کرد و اصلاح شده پیشمانی حاصل از عمل خطا برای گناه‌کار به او حرکت و پویایی می‌دهد و انگیزه او را در راه اصلاح تقویت می‌کند زیرا از پشتوانه معرفت شناسی عمیقی برخوردار است که خود را در محضر خدا می‌بیند. اما جبر حاصل از شرمساری بازپذیر کننده: اولاً؛ مقطعی است. ثانیاً؛ تک بعدی است و ثالثاً؛ پشتوانه آن صرفاً حکومت و دولت است. ضمانت اجرا در مسئولیت پذیر بودن ایده بازگشت و اصلاح قوی‌تر است زیرا فرد خود را در دایره هستی مخلوق خدا می‌بیند که نباید از حریم او تجاوز کند؛ لذا ماندگاری آن نیز بیشتر خواهد بود. عنصر جامعه در بازگشت و اصلاح انفعالی نیست بلکه چنان چه در تحقیق اشاره شد عنصری پویا و فعل در جهت گناه زدایی محسوب می‌شود. بنابراین فعال کردن مسئله توبه از سوی جامعه و نهادهای تبلیغی و قانونی و قضایی بیدار کردن وجدان‌های افراد و پرهیز ایشان از عواملی که باعث تباهی دنیا و آخرت می‌شود از وظایف همه افراد، مبلغان، نهادهای مردمی و فعالان حوزه فرهنگ دینی و به ویژه حکومت است و این عنصر نباید فقط محدود به حوزه قضایی باشد.

منابع

۱. ابراهیمی نصیبه و دیگران، کارکرد شناسی پلیس ترمیمی در شرمساری کودکان و نوجوانان یزه‌کار، فصلنامه دانش‌های انتظامی، سال ۲۰، شماره ۴، ۱۳۹۶ ش.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: ۱۴۰۴ ق.
۳. آملی، میرزا محمد تقی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، تهران: نشر مولف، ۱۳۸۰ ق.
۴. بجنوردی، سید حسن، القواعد الفقهية، محقق و مصحح: مهدی مهریزی و محمد حسن درایتی، قم: نشر الهادی، ۱۴۱۹ ق.
۵. پاپلند، جوانا و دیگران، عدالت ترمیمی در عمل، ترجمه علی طالع زاری، تهران: نشر آوا، ۱۳۹۰ ش.
۶. پور لیاستانی، ابراهیم، اهداف مجازات در دو رویکرد حقوق جزا و آموزه‌های دینی، معرفت، ش ۱۰۶، ۱۳۸۵ ش.
۷. جانسون، گری، عدالت ترمیمی، ترجمه حسین سمیعی و مجتبی نقدی نژاد، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۳۸۵ ش.
۸. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ ش.
۹. حسینوند، موسی، میانجی‌گری کیفری در پرتو آموزه‌های عدالت ترمیمی، تهران: مجد، ۱۳۹۴ ش.
۱۰. داودی، سعید، حقوق کیفری در قرآن، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶ ش.
۱۱. روستا، مهرانگیز، چالش‌های مبنای ترمیم به مثابه راه سوم عدالت، دانشنامه عدالت ترمیمی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۵ ش.
۱۲. شاهرودی، سید محمود هاشمی و دیگران، موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت (علیهم‌السلام)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۴۲۳ ق.

۱۳. شیری، عباس، عدالت ترمیمی، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶ش.
۱۴. صدر، سید محمد، ما وراء الفقه، محقق، مصحح: جعفر هادی دجیلی، بیروت: دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۲۰ق.
۱۵. صدر، محمدباقر، اقتصادنا، ترجمه سید محمد کاظم موسوی، مشهد: انتشارات جهادسازندگی، ۱۳۶۰ش.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴ش.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ش.
۱۸. طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۹. طیب سید عبد الحسین اطمینان فی تفسیر القرآن تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.
۲۰. علیوردی اکبر، حسنی، محمد رضا، شرمساری باز پذیر کننده به مثابه راهبرد فرهنگی در کنترل جرم، فصلنامه راهبردی اجتماعی فرهنگی، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۹۳ش.
۲۱. غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، تهران: سمت، ۱۳۸۵ش.
۲۲. فرجی‌ها، محمد، دانشنامه عدالت ترمیمی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۵ش.
۲۳. فروزش، روح الله، جایگاه عدالت ترمیمی در فقه اسلامی و حقوق ایران، تهران: خرسندی، ۱۳۸۶ش.
۲۴. فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، محقق، مصحح: ضیاء الدین حسینی اصفهانی، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی (علیه السلام)، ۱۴۰۶ق.
۲۵. گنابادی، سلطان محمد، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
۲۶. مترجمان، تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ش.

۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی، رابطه علم و دین، قم: انتشارات موسسه امام خمینی، ۱۳۹۳ش.
۲۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، قاهره، لندن: چاپ سوم، ۱۴۳۰ق.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۳۰. نبویان، سید محمود، اعتبار تنوری های علمی، فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۲۰، ۱۳۸۲ش.
۳۱. هوارد زهر، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ترجمه حسین غلامی، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۳ش.
۳۲. وبگاه حسنی، ابوالحسن، www.ensan.blog.ir.
۳۳. هاتفی محمد، مشخصات یک نظریه علمی، مجله الکترونیکی vistanews.
۳۴. www.payandaneshjo.ir.